

استخراج و تحلیل مولفه‌های خلوت در فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی شهر همدان

سوده محمدی^۱، منوچهر فروتن^۲، سارا جلالیان^{۳*}، نصراله عرفانی^۴

^۱ دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

^۲ استادیار، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

^۳ استادیار، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. نویسنده مسئول.

^۴ دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳

چکیده

فضاهای بیرونی و باز مجموعه‌های مسکونی محل تعامل و ارتباط بین افراد با محیط پیرامونی است. از سویی دیگر خلوت مولفه‌ای موثر بر مطلوبیت فضاهای جمعی در مجتمع‌های مسکونی است. در مجموعه‌های مسکونی جدید شهری، تامین خلوت در دو بعد اصلی خود، یعنی حفظ حریم خانوادگی و حریم خصوصی، به‌عنوان مولفه‌ای موثر در تامین آرامش و آسایش ساکنان، در اولویت قرار گرفته است. این پژوهش با هدف استخراج مولفه‌های خلوت، سعی دارد میزان سهم هر یک از مولفه‌ها در پدید آوردن مفهوم خلوت در فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی شهر همدان را تبیین نماید. از این‌رو روش تحقیق در این پژوهش، ترکیبی از نوع تودرتو (کیفی در کمی) با وزندهی تحلیلی در بخش کمی است. در بخش کیفی به تدقیق‌سازی مولفه‌های متناسب با محدوده مطالعاتی با مصاحبه نیمه ساختاریافته از متخصصان و کارشناسان صورت پذیرفته است؛ برای تقلیل داده‌ای متنوعی که از مصاحبه به‌دست‌آمده با استعانت از تکنیک‌های گراند تئوری به کدگذاری باز و محوری کدهای مفهومی در نرم‌افزار Atlasti نسخه ۲۳.۱.۱.۰ پرداخته شد. در بخش کمی پس از تدوین پرسشنامه از مولفه‌های به‌دست‌آمده و توزیع آن در بین کاربران فضایی نتایج وارد نرم‌افزار Originpro نسخه ۲۰۲۲ شده و مورد تحلیل با آماره‌های استنباطی قرار گرفت. نمونه‌گیری در بخش کیفی با هیات دلفی در سه فاز و با مشخص نمودن ضریب کندال صورت گرفت. در بخش کمی حد بالای جدول مورگان به تعداد ۳۸۴ نفر مشخص شد. نتایج نشان می‌دهند که کمترین همبستگی مربوط به متغیر فرم کلی ساختمان با مقدار (۰/۲۴۶) است و بیشترین مربوط به عدم اشرافیت با مقدار (۰/۸۸۳) با دیگر متغیرها است. طبق برداشت‌های صورت گرفته، در مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه، مجتمع‌هایی که بعد از سال ۱۳۷۰ ه.ش. ساخته شده بودند، دارای خلوت بهینه هستند. فضاهای باز در مجتمع‌هایی که قبل از این سال احداث شده بودند به صورت فشرده ساخته شده بودند و به ایجاد خلوت توجه چندانی نشده بود.

واژگان کلیدی: خلوت، فضاهای باز، مجموعه مسکونی، شهر همدان.

* نویسنده مسئول: E-mail: sarajalalian@iauh.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "خوانش زبان فضا: تدوین مدلی جهت ارزیابی خلوت در مجتمع‌های مسکونی با بهره‌گیری از روش نشانه‌شناسی (نمونه موردی: مجتمع‌های مسکونی شهر همدان)" می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان انجام شده است.

مقدمه

مسکن در مفهوم ابتدایی خود مکانی کالبدی است و به عنوان سر پناهی برای رفع نیازهای اولیه و اساسی خانواده به حساب می‌آید. در معنای وسیع‌تر، مسکن چیزی بیش از یک سرپناه کالبدی است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای زیستن انسان را در برمی‌گیرد. مجتمع مسکونی، تعدادی بلوک ساختمانی است که می‌تواند شامل گونه‌های مختلف مسکن، تک خانواری، آپارتمان کوتاه و بلندمرتبه باشد (عینی‌فر، ۱۳۷۹، ۱۱۸-۱۰۹). در این مجتمع‌ها، بلوک‌های آپارتمانی در یک قطعه زمین و براساس طراحی از پیش اندیشیده شده قرار می‌گیرند. بلوک‌ها می‌توانند در اشکال مختلفی با یکدیگر ترکیب شوند و فضای باز در ارتباط معناداری با ساختمان‌ها قرار گیرد. مجتمع‌های مسکونی می‌توانند به صورت کاملاً بسته باشند و با محدوده‌های سخت از بقیه شهر جدا شوند و همچنین می‌توانند به نوعی ارتباط محیطی خود را حفظ نموده و درعین حال حریم و قلمرو مربوطه را داشته باشند (عبداله‌زاده طرف، ۱۳۸۷).

در یک نگاه کلی مجتمع مسکونی از بلوک‌ها و فضای باز مابین آن‌ها تشکیل شده است. برحسب تعداد بلوک‌ها، ارتفاع و چیدمان فضای باز و بسته نسبت به هم‌شکل‌های متنوعی از مجتمع‌های مسکونی به وجود می‌آیند. طراحی مجتمع‌های مسکونی در سه مقیاس عمده مطرح می‌گردد (بهزادفر و قاضی‌زاده، ۱۳۹۰، ۲۴-۱۵)، نخست در مقیاس پیوند بیرونی مجتمع‌های مسکونی با محیط مجاور، دوم در مقیاس روابط درونی مجتمع‌های مسکونی و سوم در مقیاس واحدهای مسکونی. در پهنه قلمروهای یک مجتمع مسکونی به شکل کلی، سه عرصه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی قابل تشخیص است (محمودی خطیبایی، ۱۳۹۵، ۹). عرصه خصوصی همان واحدهای مسکونی می‌باشند. عرصه نیمه‌عمومی شامل سرسرای ورودی، راهروها، راه‌پله، آسانسور و پارکینگ است. منظور از عرصه عمومی، محوطه مجتمع است. گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه متشکل از بلوک‌های متفاوت، علاوه بر گونه شناسی مبتنی بر نوع دسترسی و روابط فضاهای داخلی، در نحوه قرارگیری و هم‌نشینی فضای باز و بسته نیز می‌باشد (طالبی، ۱۳۸۳، ۱۸۰-۱۶۱). گونه‌های غالب این مجتمع‌ها، چیدمان محیطی، بلوک‌های منفرد، بلوک‌های ردیفی و ترکیبی از سایر بلوک‌ها است. چیدمان محیطی، منطبق با اصول خانه‌های حیاط مرکزی سنتی ایران است. در این گونه، نمای اصلی بلوک‌ها رو به معبر عمومی دارد و فضای خصوصی در پشت بلوک قرار می‌گیرد. چیدمان بلوک‌ها به دور هسته مرکزی، باعث شکل‌گیری فضای باز خصوصی می‌گردد که می‌تواند به صورت مشترک برای تمام بلوک‌ها باشد و یا به قطعات کوچک خصوصی تفکیک گردد. در چیدمان منفرد، بلوک‌های بلندمرتبه مسکونی به صورت مجزا در کنار یکدیگر می‌ایستند (رفعیان و حدادان، ۱۳۸۶، ۱۰۷-۱۰۲).

در این گونه، امکان تهویه و نورگیری طبیعی بیشتری به نسبت سایر گونه‌ها فراهم است و فضای باز با کیفیات متفاوتی حاصل می‌گردد. گونه نواری (خطی، ردیفی)، ساده‌ترین راه‌حل چیدمان بلوک‌ها است. جهت‌گیری این بلوک‌ها تابع ملاحظات اقلیمی و یا ضوابط شهرسازی منطقه است. طراحی الگوی خطی، معمولاً تحت‌تاثیر کشیدگی شکل زمین و یا عامل موثر دیگری، مانند قرارگیری در کنار یک بلوار و یا ضوابط شهرسازی منطقه موردنظر است. الگوی ترکیبی در مجموعه‌های مسکونی، معمولاً ترکیبی از دو یا سه نوع از الگوهای محیطی، منفرد و خطی است. (عینی‌فر و قاضی‌زاده، ۱۳۸۹، ۴۶-۳۵). از آنجایی که در روزگار معاصر بحث داشتن سرپناه و زندگی آپارتمانی و گاه زندگی در مجتمع‌های مسکونی که از اصلی‌ترین نیازهای کمی و کیفی جامعه ایرانی است درحالی که سیاست انبوه‌سازی مسکن در ایران و عدم توجه به نتایج روان‌شناختی آن در آینده (گل‌رخ، ۱۳۹۴، ۱۰۸-۹۷) سبب می‌شود

مجتمع‌های مسکونی مانند جزایری دورافتاده، فاقد معنا و کارکرد مطلوب و فاقد روح و احساس عمل‌کننده، به طوری که در ساختار اصلی مجتمع‌های مسکونی امروزه اغلب سلسله‌مراتب قلمرو مکانی رعایت نشده است. در نتیجه خلوت، امنیت و حس بهزیستی کمتر احساس می‌شود (آل هاشمی، ۱۳۹۱، ۱۲-۱).

خلوت فرآیند نظارت بر مرز خود و دیگری است. فرد و همین‌طور گروه گاه نیاز به «با دیگران بودن» دارد و گاه نیاز به «جدا از دیگران بودن». خلوت فرآیندی دیالکتیکی و دائم در حال تغییر است. پس لازم است محیط‌هایی تدارک دیده شوند که با این ویژگی سازگار باشند (چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۸، ۲۳-۱۲). نیاز به خلوت به میزان زیادی به فرهنگ ربط دارد (آلتمن، ۱۳۸۲). این پژوهش باهدف استخراج و ارزیابی مولفه‌های خلوت در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی به دنبال آن است که به این سؤال پاسخ بدهد که مولفه‌های خلوت در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر همدان کدام‌ها هستند؟ و کدام‌یک دارای سهم عاملی بزرگ‌تری در شکل‌گیری خلوت در فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی می‌باشد؟

پیشینه پژوهش

در این پژوهش در جهت انجام اختصار در ارائه پیشینه پژوهش و جلوگیری از اطاله نوشتار از جدول برای خلاصه‌سازی استفاده شده است که در جدول (۱) نشان داده می‌شود. نتایج مطالعات تجارب پیشین نشان می‌دهند که قالب تحقیق‌ها در خانه‌ها انجام شده و تامین خلوت در دو بعد اصلی خود، یعنی حریم‌خانوادگی و حریم خصوصی، به‌عنوان مولفه‌های موثر در تامین امنیت و آرامش ساکنان، در اولویت قرار گرفته‌اند و به‌طور اختصاصی فضاهای باز در مجموعه‌های مسکونی موردبررسی و واکاوی قرار نگرفته‌اند. در نتیجه ممکن است منجر به کاهش تعامل‌پذیری فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی در محلات و مجتمع‌های مسکونی شود. پیامد این امر، تضعیف روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی، کاهش احساس تعلق به مکان و در پی آن، عدم هویت‌مندی مکان‌های مسکونی است. همچنین تا به حال تحقیقات در این حوزه‌ها یا در قالب کمی و یا کیفی بوده است که در این تحقیق از روش تحقیق ترکیبی جهت نیل به پاسخ بهره گرفته شده است.

جدول ۱. پیشینه تحقیق (ماخذ: نگارندگان)

| نام پژوهشگر و سال | عنوان | توضیحات |
|-------------------------|---|--|
| حیدری و عبدی پور (۱۳۹۴) | ارزیابی نقش خلوت در ارتقای دل‌بستگی به مکان در خوابگاه‌های دانشجویی | میزان دل‌بستگی ساکنین خوابگاه‌های دانشجویی از محیط زندگی‌شان تا حد زیادی متأثر از کیفیت تامین خلوت مطلوب برای افراد در محیط خوابگاه است. در برخی مقالات مدل فرآیند خلوت، شامل مهم‌ترین جنبه‌های حفظ حریم خصوصی در یک مدل واحد ارائه شده است. |
| Salwa Alkateeb (2009) | روش مردم‌نگاری خلوت در خانه‌های معاصر عربستان | جنسیت در شکل‌دهی و انواع مولفه‌های خلوت در خانه‌های عربستان تأثیرگذار نبوده است و فقط شدت اثر عاملی آن‌ها باهم متفاوت بوده و از نظر آن‌ها مهم‌ترین عامل‌ها با یکدیگر متفاوت است. |
| R Picerno (2022) | خلوت، عملکرد گروهی و رضایت مسکونی در خوابگاه کالج | هدف از این مطالعه بررسی روابط بین مقررات حریم خصوصی، تجارب حریم خصوصی، عملکرد گروهی و رضایت مسکونی در یک کالج به سبک آپارتمانی یافته‌ها نشان می‌دهند، همبستگی مثبت و معنادار بین سهولت دورهم جمع شدن باهم اتاقی‌ها، تجارب |

| | | |
|--|---|--|
| <p>حفظ حریم خصوصی و داشتن تعاملات گروهی کاربردی تر باهم اتاقی‌ها وجود داشت همچنین روابط بین سهولت دور شدن از هم‌اتاقی‌ها، تجربیات منفی حریم خصوصی و اختلال در عملکرد گروهی در نهایت، بین سهولت کنترل همبستگی معناداری وجود داشت.</p> | | |
| <p>مطالعات مختلف به موضوع حریم خصوصی پرداخته و به نقش حیاتی آن در شکل‌دهی سازمان فضایی و پیکربندی‌های عملکردی ساختمان‌ها اشاره کرده‌اند. ساکنان پروژه‌های مسکن عمومی تمایل دارند خانه‌های خود را برای دستیابی به اهداف مختلف عملکردی و اشغالی تغییر دهند. درحالی‌که متغیرهایی که مستاجران را برای تغییر چیدمان فضایی خود ترغیب می‌کنند به‌طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، تنها چند مطالعه نقش حریم خصوصی را به‌عنوان یک عامل انگیزشی در اصلاح واحدهای مسکونی عمومی در دوره‌های طولانی اشغال بررسی کرده‌اند.</p> | <p>خلوت به‌عنوان یک عامل انگیزشی برای تغییر چیدمان فضایی در مسکن عمومی اردن</p> | <p>Bushra Obeidat et al (2022)</p> |
| <p>این پژوهش نشان داد که عوامل معنایی تاثیرگذار بر محیط مسکن در دو سطح قابل جمع‌بندی هستند. سطح اول عوامل معنایی، از «ارزش‌ها و روش زندگی جمعی و کلان» همچون «جایگاه اجتماعی، محرمیت، هویت خویشاوندی، امنیت و معیشت» نشأت می‌گیرند و سطح دوم عوامل ذهنی سازنده محیط‌های زندگی هستند که از «رویدادهای رفتاری خرد» همچون «تامین خصوصیات کالبدی مناسب رویدادهای رفتاری»، «تسهیل روابط فضایی قرارگاه‌های رفتار»، «انتظام زمانی مناسب رویدادهای رفتاری» و «تامین شرایط مطلوب اقلیمی رویدادهای رفتاری» اثر می‌پذیرند.</p> | <p>معنای خصوصیات مسکن بر اساس گسترش مدل ابزار غایت</p> | <p>افشاری و پایه‌دار (۱۳۹۹)</p> |
| <p>بر انزوا و نظارت در خانه تمرکز می‌کند و نقش حریم خصوصی در طراحی مسکن را مورد بحث قرار می‌دهد. چارچوبی را برای مربیان، طراحان و معماران مسکن ارائه می‌دهد که با کاربرانی کار می‌کنند که از مناطق حریم خصوصی در خانه، از جمله آشپزخانه، به‌عنوان یک نوع فضای پانوپتیکال حمایت می‌کنند که محل منطقی کنترل سیستم‌های نظارت می‌باشد.</p> | <p>انزوا و نظارت در داخل خانه: نقش خلوت در طراحی مسکن</p> | <p>Gregory Galford & Gina Peek (2016)</p> |
| <p>در نهایت تحقیق بیانگر این است که خانه‌های کنونی با توجه به مشکلات پیش رو در رعایت تمامی اصول معماری عرصه‌بندی فضاها که موثر بر تامین خلوت و محرمیت خانه هستند، مهم‌ترین و موثرترین این اصول که بیشترین میزان رضایت کاربران را به دنبال داشته است را مورد توجه قرار دهند تا شرایط رفاه و سلامت روانی مخاطبین از این منظر فراهم شود.</p> | <p>بررسی مفهوم خلوت و عرصه‌های فضایی در خانه‌های مسکونی معاصر نمونه موردی: مجتمع مسکونی آلاشت کرمان</p> | <p>نرگس آشوری، مهدیه معینی (۱۳۹۲)</p> |
| <p>با پرداختن به مفهوم «خلوت» به روش کیفی و با مروری بر تعاریف مختلف و بعضی نظریه‌های این حوزه، به بررسی این مفهوم در حوزه فرهنگ اسلامی می‌پردازد و در ادامه، دو نسبت جدید «خلوت با خویش» و «خلوت با خدا» را به مفاهیم مربوط به حوزه این نوع مطالعات می‌افزاید. همچنین، ضمن نشان دادن اهمیت این معنا در این فرهنگ به عنصر فضایی و کالبدی آن در معماری نمونه‌های مورد بررسی اشاره می‌نماید که به‌صورت عناصر کالبدی، همچون صندوق‌خانه‌ها، پستوخانه‌ها، خلوتخانه‌ها،</p> | <p>نقش خلوت در معماری خانه ایرانی</p> | <p>محمود ارژمند، سمیه خانی (۱۳۹۱)</p> |

| | | |
|--|--|--|
| <p>زاویه‌ها و یا کنج‌ها، شکل‌گرفته‌اند. در پایان مبتنی بر تعاریف و مصادیق مربوط و با توجه به پاسخ‌هایی که ساکنان فعلی مساکن ایرانی - اغلب به‌ناچار و در محدوده فعلی بناهای خود - به این نیاز داده‌اند، پیشنهاد می‌کند که طراحان معمار مساکن ایرانی، فضاهایی را چه به‌صورت مستقل و چه به‌صورت همراه با فضاهای دیگر - که امکان تفکیک داشته باشند - در طراحی فضاهای مساکن لحاظ نمایند.</p> | | |
| <p>براساس این تحقیق، مشخص شده است که صندوقخانه نقشی عملکردی در ایجاد فضای خلوت و اندرونی خانه‌های سنتی ایفا می‌کرده است. فضایی برای استراحت، عبادت، مراقبه و یا انبار وسایل و تجهیزات. فضایی که می‌توانسته به معماری برای طراحی کمک کند یا نیاز عملکردی ساکنین را برطرف نماید. در کنار فضاهای اصلی خانه و یا در کنجی از آن‌که عملکرد آن نیز تحت‌تاثیر محل استقرار قرار می‌گرفته است.</p> | <p>صندوقخانه، منظر خلوت در خانه ایرانی (بررسی خانه‌های سنتی یزد)</p> | <p>مهدی باصولی، سمیه امیدواری (۱۴۰۰)</p> |
| <p>ضمن مروری بر تعاریف مختلف خلوت، انواع آن و بعضی نظریه‌ها در این حوزه، به بررسی این مفهوم در حوزه فرهنگ اسلامی و دو نسبت جدید «خلوت با خویشتن» و «خلوت با خدا» پرداخته شده است. همچنین با بررسی معماری خانه‌های سنتی که باوجود شفافیت و محرمیت، فضای خصوصی نیز در آن‌ها رعایت شده به‌عنوان تکنیکی جهت بهبود کیفیت معماری عصر حاضر می‌تواند موردتوجه قرار گیرد.</p> | <p>بررسی نقش خلوت در معماری خانه‌های سنتی</p> | <p>حامد بیگدلی و همکاران (۱۳۹۷)</p> |

روش تحقیق

این پژوهش از حیث نوع، کاربردی و از حیث روش ترکیبی تودرتو کیفی در کمی است. برای نیل به پاسخ پژوهش ابتدا مروری بر ادبیات نظری در این حوزه صورت می‌گیرد و مفاهیم و تعاریف خلوت استخراج می‌گردد. سپس برای تبیین مولفه‌ها در فضای باز مجموعه مسکونی با متخصصین این حوزه که بر اساس سیستم گلوله برفی انتخاب شده‌اند، مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت می‌گیرد و گفتگوها تبدیل به متن می‌شود و وارد نرم‌افزار ATLASTI نسخه ۲۳.۱.۱۰ می‌شود. مصاحبه‌ها تا زمان اشباع نظری ادامه می‌یابند و با ۲۸ نفر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته می‌شود و برای استخراج مولفه‌ها برچسب‌زنی و کدگذاری باز با رویکرد توصیف و تفسیر صورت می‌گیرد در مرحله بعد برای دسته‌بندی کدها از شیوه محوری به دسته‌بندی آن‌ها پرداخته می‌شود. پس از این مرحله برای غربالگری مولفه‌ها از مفهوم خلوت استفاده می‌شود و برای روایی بالا از هیات متخصصین خواسته می‌شود که مولفه‌ها بر اساس دلالت نمودن بر خلوت با سیستم ارجح‌گذاری به آن‌ها اعداد بین ۰ تا ۱ بدهند و مولفه‌هایی که موفق نشده‌اند میانگین را به دست بیاورند حذف می‌شوند. بعد از استخراج کدها و دسته‌بندی آن‌ها به ازای هر مولفه یک سوال در پرسشنامه با طیف لیکرت تدوین می‌شود این مرحله شروع بخش کمی است. سپس پرسشنامه‌ها بین کاربران فضایی به‌صورت تصادفی توزیع می‌گردند به علت نامشخص بودن تعداد افراد و جامعه آماری برای حجم نمونه، ۳۸۴ نفر که حد بالای جدول مورگان است برگزیده می‌شوند نتایج وارد نرم‌افزار Originpro نسخه ۲۰۲۲ می‌شود و مورد تحلیل‌های آماری استنباطی و توصیفی قرار می‌گیرند روایی پرسشنامه به ازای ۲۰ متخصص و با فرمول CVR برابر با ۰/۷۸ و پایایی با آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است که مقدار آن ۰/۷۴ می‌باشد.



نمودار ۱. فرآیند تحقیق (نگارندگان)

محدوده مطالعاتی

جهت تدقیق و تحدید مطالعات در بخش کمی کار، از بین مجتمع‌های مسکونی همدان که در مرحله نخست مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، هشت مجتمع به‌عنوان نمونه‌های مطالعاتی به‌گونه‌ای انتخاب شده‌اند که معرف جامعه آماری باشند و در این پژوهش برای نیل به پاسخ پژوهش و بررسی محدوده مورد مطالعاتی مجموعه مسکونی‌های شهر همدان معرفی می‌شوند و به بیان خصوصیات آن‌ها پرداخته می‌شود لازم به ذکر است انتخاب آن‌ها به‌وسیله هیات دلفی در سه فاز، طوفان فکر، تحدید و انتخاب برگزیده شده است و در نهایت ضریب کندال بالای ۰/۵ تبیین‌کننده برای حضور در بررسی پژوهش بوده است.

جدول ۲. معرفی خصوصیات نمونه‌ها (نگارندگان)

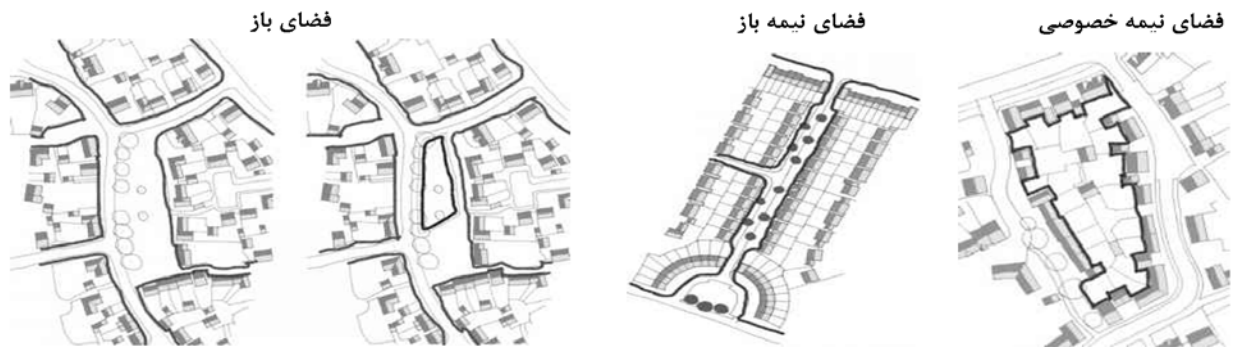
| تصویر | ضریب کندال | تعداد طبقات | گونه‌شناسی فضای باز مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه | محل قرارگیری | نام و سال ساخت و رفرنس تصاویر |
|---|------------|-------------|--|-----------------|-------------------------------|
| تصویر ۱. مجتمع سعیدییه (نگارندگان) | ۰/۷۱۱ | ۶ و ۱۰ طبقه | پراکنده-نواری | بالا شهر | مجتمع سعیدییه دهه ۷۰ |
| تصویر ۲. مجتمع کاشانی (نگارندگان) | ۰/۵۹۶ | ۴ طبقه | پراکنده-نواری | مرکز شهر | مجتمع کاشانی دهه ۵۰ |
| تصویر ۳. مجتمع فردیس (نگارندگان) | ۰/۷۱۰ | ۴ طبقه | پراکنده-نواری | شهرک‌های اقماری | مجتمع فردیس دهه ۷۰ |
| تصویر ۴. مجتمع امام رضا (نگارندگان) | ۰/۴۷۴ | ۴ طبقه | متمرکز-درون‌گرا | حاشیه شهر | مجتمع امام رضا دهه ۷۰ |

| | | | | | |
|--|-------|--------|------------------|-------------|---|
|  تصویر ۵. مجتمع بوعلی (نگارندگان) | ۰/۲۱۸ | ۴ طبقه | متمرکز- درون‌گرا | حاشیه شهر | مجتمع مسکونی بوعلی دهه ۸۰ |
|  تصویر ۶. مجتمع امام خمینی (نگارندگان) | ۰/۶۱۹ | ۴ طبقه | پراکنده | حاشیه شهر | مجتمع مسکونی امام خمینی دهه ۷۰ |
|  تصویر ۷. مجتمع احرار (نگارندگان) | ۰/۲۲۸ | ۴ طبقه | نواری | شهرک اقماری | مجتمع مسکونی احرار دهه ۷۰ |
|  تصویر ۸. مجتمع مسکونی قدیمی ها دهه ۶۰ و ۷۰ (نگارندگان) | ۰/۵۱۷ | ۴ طبقه | پراکنده | شهرک اقماری | مجتمع مسکونی قدیمی‌ها دهه ۶۰ و ۷۰ |

در بین نمونه‌های معرفی شده تعدادی از آن‌ها به علت پایین بودن ضریب کندال حذف شده‌اند هیات متخصصین علت این امر را فاقد داشتن زیرساخت لازم برای یک مجتمع مسکونی دانسته‌اند و آن‌ها را حذف کرده‌اند.

■ فضای باز

در ادبیات طراحی محیطی، تعاریف متعددی برای فضای عمومی بیان شده است. اعتقاد بر این است که یک فضای عمومی «واقعی» باید برای تمامی گروه‌ها در دسترس باشد و آزادی عمل، مالکیت و نیازهای آن‌ها را پاسخ دهد (Ramezani et al, 2009, 181) البته در جامعه معاصر، بازشناسی و تفکیک فضای عمومی و فضای خصوصی از یکدیگر امری دشوار شده است. زمین‌ها و املاک متعلق به دولت همیشه نمی‌توانند برای عموم مردم قابل استفاده باشند، درحالی‌که ظاهراً برخی از املاک خصوصی برای ورود عموم آزاد هستند (Sangar, 2007, 46) بنابراین، مکان‌هایی که فضای عمومی در نظر گرفته می‌شوند در یک رده عمومی تا خصوصی قرار می‌گیرند و می‌توانند طبق مفاهیم مالکیت، مدیریت و قابلیت دسترسی دسته‌بندی شوند (Vogt et al., 1999, 52). ری اولدنبرگ اصطلاح «مکان‌های سوم» را به کار می‌برد که مفهومی کلی برای توصیف انواع زیادی از مکان‌های عمومی است. اصطلاحی که وی با عنوان مکان سوم از آن یاد می‌کند شامل فضاهای عمومی گوناگونی است که «پذیرای اجتماعی هستند که به شکل داوطلبانه بیرون از خانه و کار، شادمانه دورهم ایجاد شده و اغلب معمولی و غیررسمی می‌باشند» (Abu baker, 2002, 323) مکان‌های سوم فضاهایی می‌باشند که واسط بین افراد با جامعه بزرگ‌تر خود می‌باشند.



تصویر ۹. گونه‌شناسی فضاهای شهری (Abu baker, 2002)

■ فضای باز مسکونی

فضای باز اغلب جزو فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی محسوب می‌شود (Amole, 2009, 867). از نوع دسترسی به فضای باز به سه دسته عمومی و خصوصی و نیمه‌خصوصی تقسیم می‌شوند. فضاهای عمومی با انگاره‌ها و تعریف و کاربست معیارها و مولفه‌هایی چون قابلیت دسترسی به فضاها، میزان بهره‌وری از فضاها، نحوه طراحی، تسهیلات، ملاحظات زیباشناختی در دستور کار قرار داده‌اند (Cybriwsky, 1999, 231).

«فضای باز» اولین بار در کمیته «پیگیری لندن» مورد استفاده قرار گرفت (Muruaani & Amit-cohen, 2007, 5). فضای باز اغلب به‌عنوان هر بخش از زمین که ساخته نشده و هیچ سازه‌ای بر روی آن قرار نگرفته است توصیف می‌شود و تنها بالکن و حیاط خصوصی فضای باز خصوصی می‌باشند (Pasaogullari & Doratli, 2004, 226). عملکرد اصلی فضای باز این است که نیازهای مردم را برآورده کند (Ewing et al., 2006, 224).

فضای باز در مجموعه‌های مسکونی بیرونی‌ترین فضای خانه‌ها و مفصل ارتباط با فضای شهری است و به لحاظ کاربری به‌عنوان بخشی بیرونی به حساب می‌آید و به‌نوعی محفل شکل‌گیری فعالیت‌های بازتر و مشترک است (Wilkinson, 1983).

امروز مجموعه فضاهای باز در مجموعه‌های مسکونی به فضاهای بسته و محدود بالکن‌ها و مهتابی‌ها در طبقات و یا حیاط‌های خصوصی کوچک در طبقه همکف، پارکینگ‌ها و یا فضاهای مشترک بدون برنامه محدود شده‌اند، اگرچه متخصصین تاکید می‌کنند که فضاهای بازمانده میان بلوک‌های مسکونی فضاهایی بدون استفاده و زائد نیستند بلکه فضاهایی برای ملاقات، رخدادهای و برخوردها هستند (Tzonis, 2006, 24).

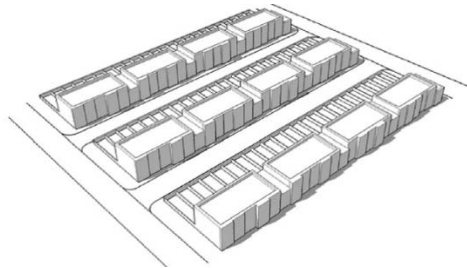
■ گونه‌شناسی فضای باز مجتمع‌های مسکونی

اگرچه طیف متنوعی از هم‌نشینی فضای باز و بسته در طراحی مجموعه‌های مسکونی به کار بسته می‌شود، ولی برخی از گونه‌ها نسبت به بقیه معمول‌تر هستند که در یک جمع‌بندی می‌توان گونه‌های رایج در ترکیب فضاهای باز و بسته مجموعه مسکونی را به‌صورت ذیل طبقه‌بندی نمود:

■ بلوک‌های خطی

چیدمان بلوک‌های خطی در اوایل قرن بیستم مطرح شد و هنوز هم عمومیت دارد. این چیدمان که به‌طور ویژه در بخش‌هایی از اروپا مرسوم بوده است. این حقیقت را منعکس می‌کند که جهت‌گیری فضای زندگی به سمت نور

خورشید اولویت بالایی دارد. در این گونه، پشت آپارتمان‌ها رو به بخش جلویی آپارتمان دیگر است یا آپارتمان‌ها در سراسر خیابان یا مسیر پیاده‌رو رو به همدیگر هستند (Biddlph, 2007).

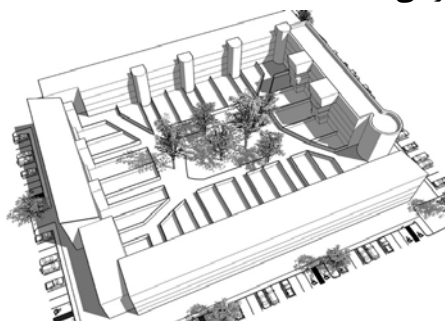


تصویر ۱۰. بلوک‌های خطی (Biddlph, 2007)

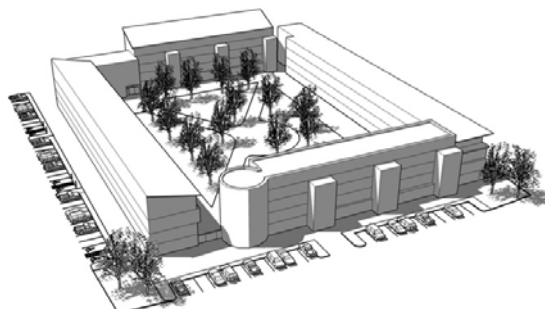
■ بلوک‌های محیطی

تا دهه ۱۹۳۰م. بلوک محیطی معمول‌ترین شکل مجموعه‌های مسکونی بود. امروزه بلوک‌های محیطی در نتیجه تاثیر انتشار کتاب محیط‌های پاسخ‌ده برای طیف گسترده‌ای از ساختمان‌ها به طور مجدد پیشنهاد شده است. این گونه طراحی مجموعه مسکونی پیرو این اصل است که نمای جلوی ساختمان‌ها باید رو به قلمرویی عمومی باشند و بخش پشتی و خصوصی ساختمان‌ها باید رو به همدیگر باشند (Biddlph, 2007). دو نوع طبقه‌بندی از بلوک‌های محیطی به شرح ذیل است:

بلوک‌های محیطی با فضای باز مشترک: در این گونه حیاط نیمه‌خصوصی در مرکز بلوک گنجانده می‌شوند که در آنجا فعالیت‌های جمعی نظیر درخت‌کاری و تعامل ساکنان و بازی کودکان صورت می‌گیرد (Biddlph, 2007).
بلوک‌های محیطی با حیاط‌های خصوصی و فضای باز مشترک: در این گونه، آپارتمان‌های طبقه همکف در بلوک‌های محیطی می‌توانند در بخش پشتی خود حیاط‌های خصوصی داشته باشند و ساکنان که در طبقات دیگر زندگی می‌کنند می‌توانند به فضای عمومی دسترسی داشته باشند (Biddlph, 2007).



تصویر ۱۱. بلوک‌های محیطی با حیاط خصوصی و فضای باز مشترک (Biddlph, 2007)

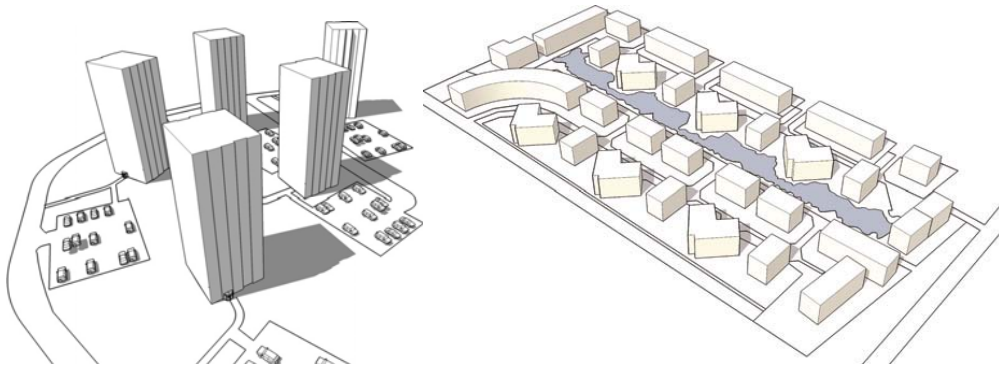


تصویر ۱۲. بلوک‌های محیطی با فضای باز مشترک (Biddlph, 2007)

■ بلوک‌های پراکنده یا نقطه‌ای

از اوایل قرن بیستم و نیز نظر به عقیده لوکوربوزیه مبنی بر اینکه الگوی مسکن کم‌طبقه و زندگی در خانه و زمین شخصی باعث هدر رفتن زمین می‌شود، زندگی در ساختمان‌های بلندمرتبه‌ای که در میان فضای سبز پراکنده شده‌اند، به‌عنوان راه‌حلی کارا در برنامه‌ریزی کاربری زمین مطرح شد، بنابراین آپارتمان‌هایی به‌صورت بلوک‌های پراکنده یا نقطه‌ای طراحی شدند. مبنای منطقی این‌گونه طراحی توسط معماران به‌این‌ترتیب پیشنهاد شده است (Biddlph, 2007).

- نوعی محیط مسکونی ایجاد کند که تهویه مناسب و نور را برای خانه‌ها فراهم آورد.
- افراد را از آنچه به‌عنوان محدودیت‌های محیط‌های خیابانی کسل‌کننده تصور می‌شود، رها سازد.
- افزایش روزافزون ماشین را در خود جای دهد.
- فنون و تکنولوژی جدید ساختمان‌سازی را به کار برد.



تصویر ۱۳. بلوک‌های پراکنده (Biddlph, 2007)

■ بلوک‌های متمرکز

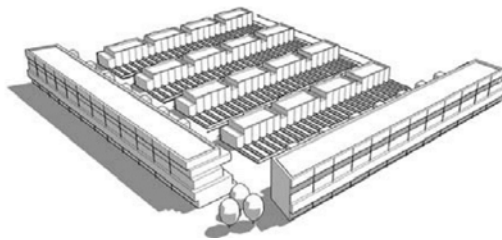
این‌گونه متعلق به گروهی از مجموعه‌های مسکونی است که بلوک مسکونی در قسمتی از زمین متمرکز شده است و مابقی به فضای باز اختصاص یافته است. این‌گونه بیشتر در برج‌های مسکونی رایج است (Biddlph, 2007).



تصویر ۱۴. بلوک‌های متمرکز (Biddlph, 2007)

■ ابر بلوک‌ها

در این‌گونه طراحان اغلب بلوک‌های پیرامونی را شکل می‌دهند که سایر بلوک‌ها را احاطه کرده یا از آن‌ها محافظت می‌نماید. این‌گونه طراحی اجازه می‌دهد تا محیط ایمن و ساکت‌تری در میان مجموعه تحقق یابد.



تصویر ۱۵. ابر بلوک‌ها (Biddlph, 2007)

■ خلوت

در فرهنگ لغت دهخدا، "خلوت به معنای انزوا و عزلت است" (دهخدا، ۱۳۷۳). در فرهنگ معین "خلوت به معنای تنها نشستن تنهایی گزیدن تنهایی و انزوا کم رفت‌وآمد و کم جمعیت است" (معین، ۱۳۷۱). در فرهنگ لغت عمید «خلوت» به معنای «فاقد ازدحام و شلوغی» و «تنهایی» است (عمید، ۱۳۷۳) در زبان انگلیسی "privacy" معادل خلوت است؛ در دیکشنری آکسفورد "privacy" به معنای موقعیت یا شرایط تنها بودن آسوده بودن و یا آزاد بودن از توجه دیگران، جدایی، تنهایی، گوشه‌نشینی و به معنای آسوده‌بودن از معارضه دخالت تجاوز و ورود بی‌اجازه است (OxfordDictionaries, 2014). مفهوم خلوت در چندین رشته از علوم انسانی و از جمله در روانشناسی، جامعه‌شناسی انسان‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق و معماری به کاررفته است اما معنایی که در هر زمینه از خلوت بیان شده بسیار متفاوت می‌باشند. برخی از پژوهشگران تعاریفی از این مفهوم در نظر گرفته‌اند که بر انزوا و کناره‌گیری و نداشتن تعامل تاکید کرده است:

«ارزش تنها ماندن و آسودگی از فشار حضور دیگران ...» (Chapin, 1951)

«نتیجه تمایل فرد به پنهان نگه‌داشتن تجربیات گذشته و زمان حال خود و اهدافش برای آینده ... تمایل به معما بودن برای دیگران یا حالتی که بیشتر معمول است تمایل به کنترل نظر و باور دیگران در مورد خود ...» (Jourard, 1966) اجتناب از تعامل و تعدی دیداری و شنیداری و جز آن ...» (Kuper, 1953)

گروه دیگری از تعاریف کمتر بر شخصیت «کناره‌جو» و بیشتر بر مفهوم نظارت بر روابط تاکید می‌کنند یا به عبارتی، بر دوری و نزدیکی فرد به دیگران و آزادی انتخاب در مورد رابطه با دیگران تاکید می‌کنند.

... حق تصمیم‌گیری فرد در مورد اینکه چه نکاتی درباره شخصیتش و تحت چه شرایطی بهتر است به دیگران منتقل شود (Westin, 1970).

«توانایی نظارت بر تعامل در اختیار داشتن حق انتخاب و تمهیدات و سازوکارهای لازم برای جلوگیری از تعامل ناخواسته و دستیابی به رابطه مطلوب. (Rappaport, 1977).

«... کنترل محرک‌های دریافتی از دیگران میزان اطلاعات و فاصله افراد از یکدیگر...» (Simmel, 1950).

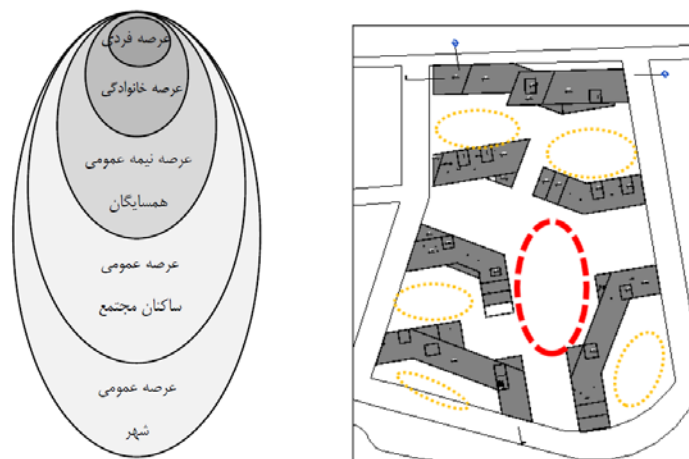
... نظارت بر انتقال اطلاعات از فرد به فرد به گروه گروه به گروه یا گروه به فرد» (Shils, 1966). نظارت انتخابی بر رابطه فرد یا گروه با دیگران...» (آلتمن، ۱۳۸۲، ۲۱).

با توجه به تعاریف پیش‌گفته خلوت را از دو بعد می‌توان بررسی نمود یک بعد خلوت که آن را می‌توان بعد منفعل نامید، مربوط ارزش تنها بودن و آسودگی از فشار حضور دیگران و کنترل ادراکات حسی از محیط می‌شود که تا حد زیادی با کیفیت آرامش و مطلوبیت محیط در ارتباط است. آرامش و مطلوبیت مولفه‌هایی موثر در حضور افراد در محیط بیرونی به منظور فعالیت‌های اختیاری می‌باشند. بعد دیگر آن که می‌توان از آن به بعد فعال یادکرد به کنترل میزان ارتباط با دیگران ربط دارد درعین حال اگر «دیگران» را به معنای محیط پیرامون و غیر خود و آسودگی از

فشار حضور دیگران و دریافت ادراکات حسی را بخشی از کنترل میزان ارتباط با محیط دانسته شود؛ بعد دوم، بعد اول را نیز در برمی گیرد (اسدی، ۱۳۹۰، ۱۷).

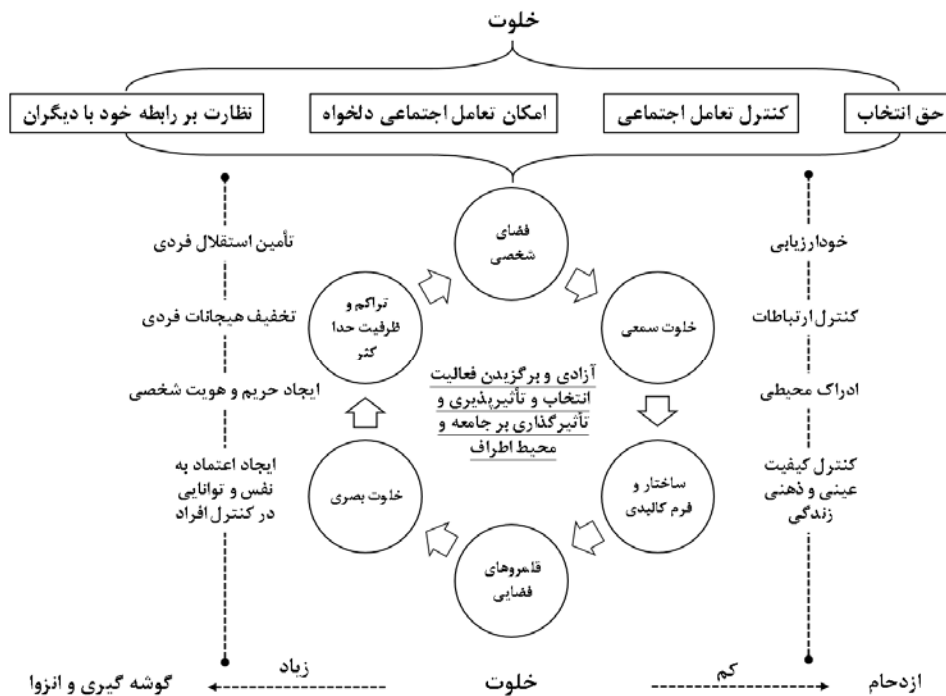
این پژوهش در جستجوی چگونگی رابطه خلوت و اجتماع پذیری است بدین منظور نزدیک ترین تعریف خلوت به تعاملات اجتماعی مبنای این پژوهش قرار می گیرد بر این اساس در پژوهش حاضر «خلوت»، نظارت انتخابی بر رابطه فرد یا گروه با دیگران و کنترل محرک های دریافتی از محیط تعریف می شود که تعاریف، آلتمن زیمل و چاپین را در برمی گیرد چنین تعریفی از خلوت، چند ویژگی دارد؛ اول اینکه در این تعریف، خلوت فرایندی دوجانبه فرض شده است؛ یعنی این که فرد از دیگران اطلاعات می گیرد و به آن ها اطلاعات می دهد دومین ویژگی این تعریف عبارت است از نظارت انتخابی که اشاره به پویایی و تغییرپذیری مقوله خلوت در طول زمان و در شرایط مختلف دارد (آلتمن، ۱۳۸۲، ۲۲). ویژگی سوم این تعریف این است که محرک های سمعی و بصری محیط و مفهوم ازدحام را نیز در برمی گیرد.

در همین حال از نظر آلتمن، خلوت درجات مختلفی دارد که از طریق سازوکارهای مختلف قابل دستیابی است. مفاهیم «فضای شخصی» و «قلمرو»، دو مورد از سازوکارهایی محیطی برای دستیابی به میزان دلخواهی از خلوت هستند و ازدحام وضعیتی اجتماعی است که در نتیجه عدم کارایی سازوکارهای خلوت پیش می آید و در روابط اجتماعی نامطلوب به افراط منجر می شود در فضای شخصی (حفظ فواصل میان فردی) در سطوح کوچک تر مورد بررسی قرار می گیرد. اما ایجاد قلمروهای فضایی متاثر از ساختار کلی ارتباطی، سلسله مراتب فضایی و دسترسی و عوامل دیگری مانند تعداد استفاده کنندگان از فضا هستند؛ بنابراین می تواند در این سطح از طراحی مورد توجه قرار گیرند (آلتمن، ۱۳۸۲، ۴۳).



تصویر ۱۶. سمت چپ: دیاگرام پیوستگی بین عرصه های عمومی تا خصوصی و سمت راست: اختصاص فضای عمومی به تعداد محدودی از واحدها (شعبان عبدالمحمدی، ۱۳۹۴)

طبق نتیجه پژوهش سلسله مراتب دسترسی و پیوستگی بین عرصه های عمومی تا خصوصی یکی از راهکارهای مهم ایجاد قلمروهای فضایی است. این امر می تواند از طریق حوزه بندی فضای باز عمومی و اختصاص هر بخش آن به تعداد محدودی از واحدها و در نظر گرفتن یک فضای عمومی مشترک برای تمام واحدها رخ دهد.



نمودار ۲. مدل شکل‌دهنده خلوت (نگارندگان)

■ خلوت در فضاهای باز مجموعه مسکونی

فعالیت‌های انسان معلول نیازهای او است. فضاهای عمومی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که پاسخگوی نیازهای متنوع گروه‌های مختلف اجتماعی در همه رده‌های سنی باشند. برقراری رابطه اجتماعی از طریق فعالیت‌های متنوعی در محیط صورت می‌پذیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

گفت‌وشنود، یکی از علایق اساسی افراد توجه به افراد در محیط است. آن‌ها گاهی اوقات دوست دارند دیدار، گفت‌وشنود، مراسم عمومی و بازی جمعی داشته باشند و مکان‌های بدون مردم، افراد را به وحشت می‌اندازد. دیدار: یکی از فعالیت‌های اجتماعی تماس و دیدار بین افراد و گفتگو و تبادل افکار بین آن‌ها می‌باشد. در اینجا دیدار به مفهوم ملاقاتی است که از قبل برای آن برنامه‌ریزی شده و پس از انتظار در فضای خاصی صورت می‌گیرد. (آذر، ۱۳۹۴، ۱۱۲)

آمدوشد: وجود دسترسی‌های ساده به محیط مسکونی موجب جذب افراد و فعالیت‌ها به محیط‌های مسکونی است که ضمن به ارمغان آوردن سلامتی و نشاط برای افراد به فضاهای عمومی یا جمعی در محیط مسکونی جنب و جوش و حرکت می‌بخشد (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۲، ۶۸-۵۷) و فعالیت‌هایی از قبیل دیدار و گفت‌وشنود این فضاها خوشایندتر کرده و مورد استقبال ساکنان قرار می‌گیرند (حاجی پور، ۱۳۹۲، ۵).

در نظریه‌های طراحی محیط اظهارنظرهای زیادی راجع به چگونگی تأثیر طراحی بر تعامل اجتماعی مردم شده است. فرضیه اکثر این اظهارنظرها این است که شکل‌گیری مسیرهای حرکت و مکان قرارگیری خدمات مشترک تعامل اجتماعی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد (لنگ، ۱۳۹۰، ۱۷۹).

تمامی فعالیت‌های اجتماعی بامعنا، تجربیات قوی، مکالمه‌ها و دلجویی‌ها، هنگامی که مردم ایستاده‌اند استراحت می‌کنند و یا قدم می‌زنند اتفاق می‌افتد اما زندگی در حالت پیاده اتفاق می‌افتد. تنها حالت «پیاده»، برای

فرصت‌های بامعنا و برقراری ارتباط و دریافت اطلاعاتی که شخص برای تجربه نمودن آن زمان صرف می‌کند و خود را درگیر می‌کند، موقعیت‌آفرینی می‌کند (یان، ۱۳۸۷).

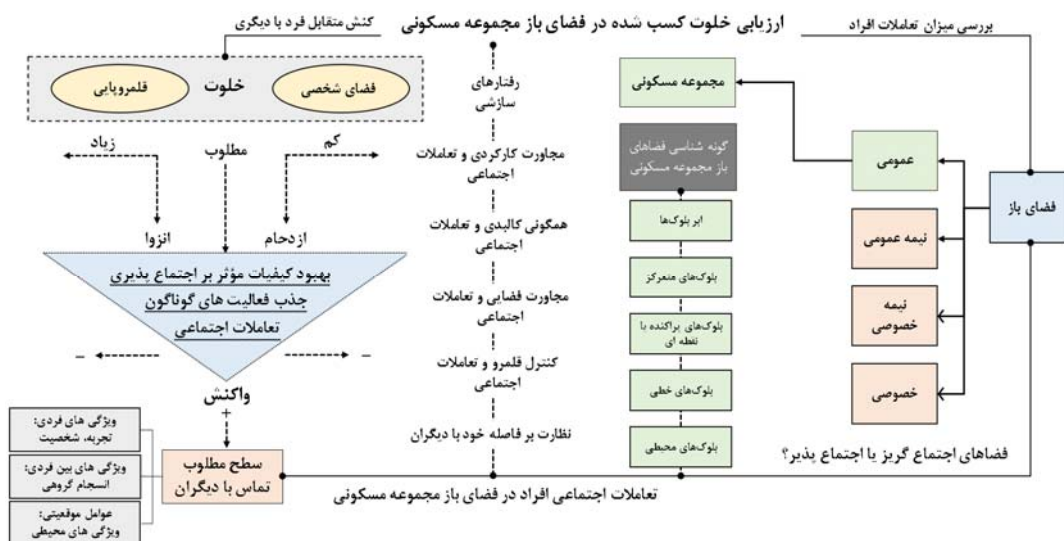
مراسم عمومی: بعضی از مراسم و آداب اجتماعی و مذهبی می‌توانند در فضاهای عمومی صورت گیرند مثل جلسات مشترک ساکنان، جشن‌ها و مراسم مذهبی.

بازی: یکی از فعالیت‌های متداول برای اغلب گروه‌های سنی بازی است. این فعالیت از بازی کودکان زیر نظر خانواده در محیط مسکونی آغاز شده و حضور افراد بزرگسال در مکان‌های عمومی تر گسترش می‌یابد.

ورزش: نوعی فعالیت فیزیکی که بستگی به تمایل فرد، وضعیت جسمانی و هدف نهایی وی از ورزش دارد. طراحی فضاها و امکانات ورزشی باید متناسب با محیط و شرایط آن باشد تا حرکات ساده نرمشی، پیاده‌روی شطرنج و غیره در آن صورت گیرد (Borton, et al., 2003).

تفریح: هرگونه فعالیتی را که با قصد برطرف کردن نیاز اوقات فراغت صورت می‌گیرد، تفریحی در این زمان انجام می‌گیرد.

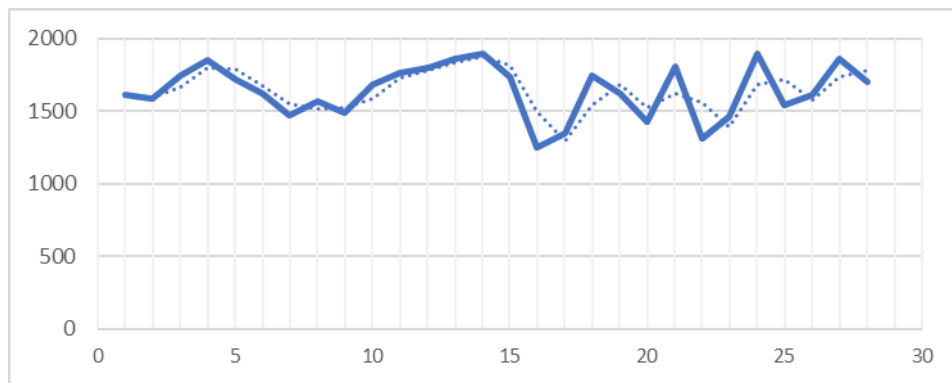
برخی از این فعالیت‌ها در عین ساده بودن، خاص‌تر هستند مانند راه رفتن، ایستادن و نشستن و همچنین دیدن و گفتگو کردن. این فعالیت‌های پایه به‌عنوان نقطه شروع در نظر گرفته می‌شوند و در ادامه برای طیف وسیعی از دیگر فعالیت‌ها مانند بازی، ورزش و فعالیت‌های اجتماعی و غیره بستر رشد و گسترش فراهم می‌کنند. انجام شدن این فعالیت‌ها در فضای عمومی درگرو قابلیت محیط در جذب افراد و افزایش تمایل آن‌ها به حضور در این فضاها می‌باشد (عینی‌فر و قاضی‌زاده، ۱۳۸۹، ۴۶-۳۵). بر اساس نظرات یان‌گل این فعالیت‌ها را می‌توان در قالب فعالیت‌های سه‌گانه در محدوده یک مجتمع مسکونی حوزه‌بندی کرد. در این حوزه‌بندی «حوزه بلافصل» و «حوزه» «نفوذ» شامل بخشی از فضای بلوک‌ها است که روابط اجتماعی در آن در قالب فعالیت‌های اجباری و در حین آمدو شد روزانه به وقوع می‌پیوندد؛ حوزه مشترک یا عمومی فضاهایی را در برمی‌گیرد که حضور و فعالیت در آن‌ها به قابلیت آن فضاها در جذب افراد بستگی دارد و فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی می‌توانند در آن‌ها واقع شوند (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۲، ۶۸-۵۷).



نمودار ۳. مدل مفهومی پژوهش (نگارندگان)

■ یافته‌های کمی

در این مرحله از متخصصان خواسته می‌شود که بر اساس دلالت نمودن مولفه‌های به‌دست‌آمده با مفاهیم خلوت به آن‌ها با سیستم ارجح‌گذاری عددی بین ۰ تا ۱ بدهند. آن‌هایی که میانگین آن‌ها کمتر از ۰.۵ بود حذف می‌شوند. در زیر نمودار توصیفی به‌دست‌آمده از سیستم ارجح‌گذاری مولفه‌ها و میانگین حرکتی نشان می‌دهند که مولفه‌های که در دره قرار می‌گیرند حذف می‌شوند. این مولفه‌ها شامل جدایی‌گزینی جنسیتی با مقدار (۰/۲۷۲)، استفاده از مصالح آکوستیک با مقدار (۰/۳۱۹)، امکان حفظ فواصل میان فردی در طراحی با مقدار (۰/۴۱۱) و کنترل اشرافیت در واحدها با مقدار (۰/۲۷۱) می‌باشند.



نمودار ۶. نمودار Screening برای مولفه‌های خلوت و غربالگری با متغیر مداخله‌گر خلوت (نگارندگان)

در این مرحله بر اساس مولفه‌های به‌دست‌آمده برای بررسی سهم عاملی مولفه‌ها پرسشنامه تدوین و توزیع می‌گردد جامعه‌آماری برای این مرحله پژوهش، کل کاربران فضایی مجتمع مسکونی منتخب‌شده در شهر همدان مورد مطالعه می‌باشد که برای یافتن حجم نمونه از جدول مورگان بهره گرفته شده است؛ که تعداد ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب می‌شوند. پرسشنامه‌ها به‌صورت تصادفی توزیع می‌گردند. نتایج به این شکل می‌باشند که ۳۹٪ درصد شرکت‌کنندگان زنان و ۶۱٪ مردان هستند. بیشترین رده سنی شرکت‌کننده در این پژوهش با میزان ۵۴٪ بین ۲۲-۱۸ و ۲۵٪ بین ۲۶-۲۲ است و ۲۱٪ بین ۲۶ تا ۳۰ می‌باشند.

■ آماره‌های استنباطی

■ همبستگی

برای بررسی نوع پارامتریک و ناپارامتریک بودن داده‌ها از Two-Sample Kolmogorov-Smirnov Test بهره گرفته شده است. این آزمون برای تک‌تک مولفه‌های خلوت در فضاهای باز مجموعه مسکونی شهر همدان انجام شد و مشخص شد با توجه به ناپارامتریک بودن داده‌ها، بایستی از همبستگی اسپیرمن استفاده شود؛ بنابراین متغیرهای خلوت دارای توزیع نرمالی نیستند و می‌توان از تحلیل‌های ناپارامتریک برای آن‌ها استفاده نمود. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۳ مشخص گردید که کمترین همبستگی مربوط به متغیر فرم کلی ساختمان با مقدار (۰/۲۴۶) است و بیشترین مربوط به عدم اشرافیت با مقدار (۰/۸۸۳) با دیگر متغیرها است.

جدول ۳. همبستگی اسپیرمن بین مولفه‌های خلوت در فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی (نگارندگان)

| معنی داری | ضریب همبستگی | مولفه | ابعاد | انواع |
|-----------|--------------|--|----------------------|---------|
| ۰/۰۰۱ | ۰/۴۸۱ | نحوه تقسیم‌بندی و ایجاد ساختار خوشه‌ای در بلوک‌ها | ساختار و فرم کالبدی | کالبدی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۴۵ | پیوستگی و فواصل بدنه‌ها در ساختمان‌ها و نما | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۸۵۳ | درها و ورودی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۲۴۶ | فرم کلی ساختمان | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۸۷۱ | ایجاد موانع بصری برای کنترل دید فضای عمومی به خصوصی | خلوت بصری | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۸۳۱ | حصار پیرامونی فضا | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۸۸۳ | عدم اشرافیت | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۸۷۳ | تراکم ساختمانی و تراکم جمعیتی | تراکم و ظرفیت حداکثر | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۶۲۳ | کفایت پاسخ‌دهی خدمات | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۴۵ | عدم مزاحمت همسایگان | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۶۵۷ | همگونی فرهنگی ساکنان | کنترل ادراکات حسی | اجتماعی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۸۵۴ | در امان بودن از کنترل و نظارت افراد حاضر در فضای باز مجموعه مسکونی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۵۳۶ | ایجاد فضای حرکتی و سکون | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۶۴۷ | افزایش احساس مالکیت ساکنان نسبت به فضای عمومی | قلمروهای فضایی | فضایی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۲۸۶ | انحصار استفاده افراد مجتمع‌های مسکونی از فضای عمومی و نیمه عمومی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۵۹۷ | غریب‌گز بودن | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۶۹۷ | کنترل‌پذیری | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۱۱ | امکان حفظ فواصل میان فردی در طراحی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۸۴۳ | وضوح مرزهای عرصه‌های عمومی تا خصوصی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۱۱ | سهولت و نوع دسترسی سواره پیاده | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۶۶۲ | سلسله‌مراتب عمومی و خصوصی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۲۵ | ساختار سلسله‌مراتبی واحدهای مسکونی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۴۵۱ | مکان‌یابی عرصه‌های جمعی و مکان فعالیت گروهی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۴۶۵ | استفاده از مصالح آگوستیک | خلوت سمعی | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۵۴۶ | استفاده موانع صوتی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۷۸۸ | انعطاف‌پذیری در طراحی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۴۲۱ | چیدمان مناسب مبلمان | فضای شخصی | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۳۶۵ | دسترسی متعادل و متنوع | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۴۷۵ | اولویت‌بخشی به پیاده‌روی و وجود گزینه‌های متنوع حرکت پیاده | | |

■ رگرسیون چندگانه

برای استفاده از نوع رگرسیون خطی و یا چندگانه از نمودار ماتریس همبستگی درونی متغیرها استفاده می‌شود. پس از ترسیم نمودار ماتریس همبستگی مشخص گردید عوامل فاقد رابطه خطی می‌باشند پس بهره‌گیری از رگرسیون چندگانه صحیح است. طبق جدول ۴، مشخص می‌شود که قلمروهای فضایی بیشترین تاثیر را بر خلوت مطلوب فضای باز مجتمع‌های مسکونی شهر همدان دارند.

جدول ۴. رگرسیون چندگانه بین انواع و ابعاد خلوت در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر همدان (نگارندگان)

| معنی‌داری | value-P | F | β | T | ضریب تعیین | ابعاد | انواع |
|-----------|---------|---------|---------|--------|------------|----------------------|---------|
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۴۱ | ۱۹۹/۹۴۳ | ۰/۶۴۸ | ۳۸/۲۳۹ | ۰/۸۱۲ | ساختار و فرم کالبدی | کالبدی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۲۳ | ۲۰۱/۶۱۲ | ۰/۶۶۴ | ۸/۹۵۸ | ۰/۷۰۵ | خلوت بصری | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۲۸ | ۶۴۳/۶۲۳ | ۰/۶۶۲ | ۱۱/۱۳۴ | ۰/۷۳۲ | تراکم و ظرفیت حداکثر | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۳۱ | ۷۱۲/۶۴۷ | ۰/۶۸۷ | ۱۵/۴۱۲ | ۰/۷۶۸ | کنترل ادراکات حسی | اجتماعی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۳ | ۸۴۹/۶۸۳ | ۰/۶۵۲ | ۱۸/۴۴۱ | ۰/۸۷۹ | قلمروهای فضایی | فضایی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۴۲ | ۳۴۹/۶۰۳ | ۰/۶۶۵ | ۱۹/۱۴۴ | ۰/۷۶۹ | خلوت سمعی | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۳۹ | ۱۸۴/۹۴۵ | ۰/۴۸۳ | ۴۹/۱۷۳ | ۰/۸۵۲ | فضای شخصی | |

در این مرحله بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول رگرسیونی مشخص می‌شود «افزایش احساس مالکیت ساکنان نسبت به فضای عمومی»، «وضوح مرزهای عرصه‌های عمومی تا خصوصی» و «سلسله‌مراتب عمومی و خصوصی» با مقدار (۱/۰۰۰) بیشترین تاثیر را در خلق خلوت در فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی شهر همدان دارند و کمترین مربوط به انحصار استفاده افراد مجتمع‌های مسکونی از فضای عمومی و نیمه عمومی با مقدار (۰/۳۹۵) می‌باشد.

جدول ۵. رگرسیون چندگانه از مولفه‌های خلوت در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر همدان (نگارندگان)

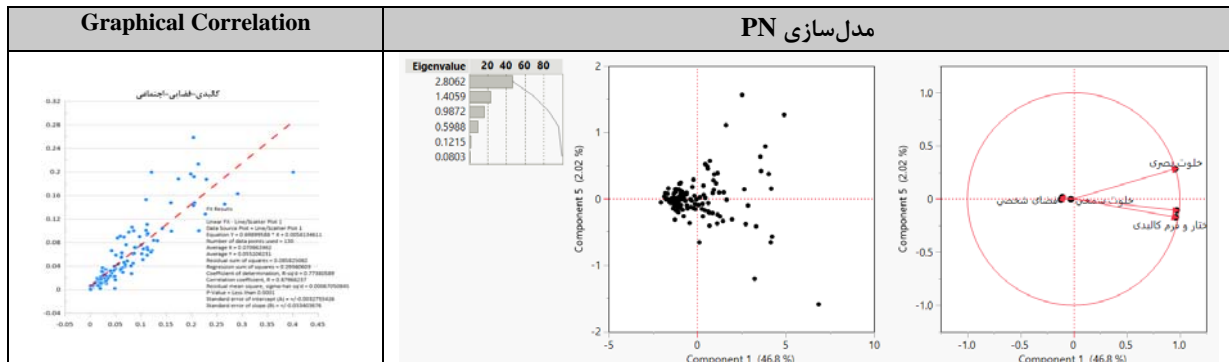
| معنی‌داری | P-value | F | β | T | ضریب تعیین | مولفه | ابعاد | انواع |
|-----------|---------|---------|---------|--------|------------|--|----------------------|---------|
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۲۲ | ۴۹۹/۰۳۴ | ۰/۴۶۳ | ۴۷/۲۲۸ | ۰/۵۴۳ | نحوه تقسیم‌بندی و ایجاد ساختار خوشه‌ای در بلوک‌ها | ساختار و فرم کالبدی | کالبدی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۲ | ۲۱۷/۳۴۳ | ۰/۶۶۲ | ۴۰/۲۲۳ | ۰/۸۷۳ | پیوستگی و فواصل بدنه‌ها در ساختمان‌ها و نما | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۳۰ | ۱۹۹/۹۴۳ | ۰/۶۴۸ | ۳۸/۲۳۹ | ۰/۷۴۶ | درها و ورودی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۲۹ | ۱۸۳/۶۷۲ | ۰/۶۱۷ | ۳۸/۱۲۷ | ۰/۷۵۱ | فرم کلی ساختمان | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۵ | ۶۴۳/۶۲۳ | ۰/۶۶۲ | ۱۱/۱۳۴ | ۰/۸۱۶ | ایجاد موانع بصری برای کنترل دید فضای عمومی به خصوصی | خلوت بصری | کالبدی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۶ | ۶۹۷/۷۴۲ | ۰/۶۹۷ | ۱۵/۶۴۷ | ۰/۸۲۷ | حصار پیرامونی فضا | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۸ | ۳۴۹/۶۰۳ | ۰/۶۶۵ | ۱۹/۱۴۴ | ۰/۸۴۶ | عدم اشرافیت | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۴ | ۱۸۴/۹۴۵ | ۰/۴۸۳ | ۴۹/۱۷۳ | ۰/۸۱۴ | تراکم ساختمانی و تراکم جمعیتی | تراکم و ظرفیت حداکثر | کالبدی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۲۳ | ۲۷۶/۷۴۸ | ۰/۴۶۴ | ۴۷/۹۶۳ | ۰/۵۴۶ | کفایت پاسخ‌دهی خدمات | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۴۰ | ۴۲۱/۱۱۵ | ۰/۴۱۱ | ۱۲/۲۳۱ | ۰/۹۱۱ | عدم مزاحمت همسایگان | کنترل ادراکات حسی | اجتماعی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۴۳ | ۴۱۷/۱۷۲ | ۰/۵۴۲ | ۳۵/۴۵۸ | ۰/۸۷۲ | همگونی فرهنگی ساکنان | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۴۴ | ۴۱۸/۶۲۴ | ۰/۶۱۳ | ۳۸/۱۸۵ | ۰/۸۹۶ | در امان بودن از کنترل و نظارت افراد حاضر در فضای باز مجموعه مسکونی | | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۰ | ۱۹۹/۹۴۳ | ۰/۴۵۲ | ۴۶/۲۲۶ | ۰/۸۹۵ | ایجاد فضای حرکتی و سکون | قلمروهای فضایی | فضایی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۱ | ۸۴۹/۶۸۳ | ۰/۶۵۲ | ۱۸/۴۴۱ | ۱/۰۰۰ | افزایش احساس مالکیت ساکنان | | |

| نسبت به فضای عمومی | | | | | | |
|--------------------|-------|---------|--------|--------|-------|---|
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۴۵ | ۲۸۷/۲۳۵ | ۰/۲۱۹ | ۱۵/۲۸۸ | ۰/۳۹۵ | انحصار استفاده‌ی افراد مجتمع- های مسکونی از فضای عمومی و نیمه عمومی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۲۱ | ۱۴۷/۲۵۸ | ۰/۱۶۱ | ۴۵/۲۵۶ | ۰/۹۷۸ | غریب‌گز بودن |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۴۱ | ۳۲۱/۵۶۴ | ۰/۴۵۲ | ۴۱/۵۵۲ | ۰/۵۷۲ | کنترل‌پذیری |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۲۵ | ۴۹۲/۳۷۱ | ۰/۴۰۱ | ۲۱/۳۵۶ | ۰/۴۳۱ | امکان حفظ فواصل میان فردی در طراحی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۳۵ | ۴۸۹/۴۷۱ | ۰/۱۶۲۷ | ۲۲/۷۴۲ | ۱/۰۰۰ | وضوح مرزهای عرصه‌های عمومی تا خصوصی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۴ | ۴۳۸/۴۱۹ | ۰/۲۴۷ | ۱۷/۳۱۸ | ۰/۴۲۱ | سهولت و نوع دسترسی سواره پیاده |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۷ | ۳۲۱/۴۸۵ | ۰/۷۲۳ | ۸/۲۳۴ | ۱/۰۰۰ | سلسله‌مراتب عمومی و خصوصی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۴۵ | ۲۰۱/۶۱۲ | ۰/۱۶۶۴ | ۶/۹۵۸ | ۰/۶۸۱ | ساختار سلسله‌مراتبی واحدهای مسکونی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۶ | ۲۱۴/۳۶۲ | ۰/۵۲۱ | ۴۴/۵۸۷ | ۰/۸۸۱ | مکان‌یابی عرصه‌های جمعی و مکان فعالیت گروهی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۵ | ۷۵۲/۳۸۲ | ۰/۱۵۴۲ | ۴۸/۵۶۶ | ۰/۸۸۶ | استفاده از مصالح آگوستیک |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۳۵ | ۶۹۹/۳۰۱ | ۰/۵۴۵ | ۲۳/۶۵۸ | ۰/۸۱۱ | استفاده موانع صوتی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۲۱ | ۵۲۷/۲۲۲ | ۰/۷۸۱ | ۴۶/۵۲۲ | ۰/۸۸۲ | انعطاف‌پذیری در طراحی |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۸ | ۴۰۵/۱۲۲ | ۰/۷۳۲ | ۴۲/۱۵۲ | ۰/۹۲۰ | چیدمان مناسب مبلمان |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۲۹ | ۲۱۷/۳۴۳ | ۰/۱۶۶۲ | ۴۰/۲۲۳ | ۰/۸۷۳ | دسترسی متعادل و متنوع |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۰۴۳ | ۱۹۹/۹۴۳ | ۰/۱۶۴۸ | ۳۸/۲۳۹ | ۰/۷۴۶ | اولویت‌بخشی به پیاده‌روی و وجود گزینه‌های متنوع حرکت پیاده |

در مرحله بعد برای بررسی ابعاد موجود در خلوت و میزان اثر هریک از ابعاد مدل‌سازی PN در نرم‌افزار Originpro نسخه ۲۰۲۲ استفاده می‌شود. هدف از مشخص‌سازی مدل PN، بررسی مولفه‌ها به صورت موردی در هر یک از نمونه‌های مورد مطالعه به صورت مجزا می باشد؛ که نشان دهد که آیا نحوه پاسخ‌دهی به سوالات پرسشنامه دارای تمایزاتی هستند یا در تمامی نمونه‌ها از یک الگوی پاسخ‌دهی توسط کاربران فضایی استفاده شده است؟ همچنین شدت اثر هر مولفه به صورت تک موردی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد و نحوه تمایزهای هر مولفه در هر نمونه منتخب نسبت به نمونه منتخب بعدی مشخص می‌شود. این امر کمک می‌کند که به این نتیجه رسیده شود که نحوه پاسخ‌دهی از هم تبعیت می‌کند یا نه و کدام از متغیرها در نحوه پاسخ‌دهی توسط کاربران فضایی در پرسشنامه متفاوت بوده‌اند.

نتایج نشان می‌دهند در تمامی مجتمع‌های مسکونی به صورت تک مدل، بعد فضای شخصی دارای پاسخ‌های متفاوت‌تر نسبت به هر مجموعه مسکونی بوده و از ضرایب پایین‌تری بهره می‌برد. همچنین در انتها بین ابعاد فضایی، کالبدی و اجتماعی رابطه همبستگی گرافیکی گرفته می‌شود و نتایج نشان می‌دهند که متغیرهای کالبدی، فضایی و اجتماعی با یکدیگر دارای همبستگی بالایی بوده و می‌توانند به مقدار (۰/۷۷۸) تبیین‌کننده خصوصیات یکدیگر باشند.

جدول ۶. مدل سازی PN ابعاد و همبستگی گرافیکی متغیرها (نگارندگان)



نتیجه گیری

در دنیای امروزی که رشد جمعیت باعث ایجاد فضاهای شلوغ و پرتنش شده است، فشارهای روانی ناشی از تماس های بیش از اندازه بین افراد، ضرورت گسترش تحقیقات راجع به مفاهیم خلوت و روابط بین زیر معیارهای این اصول با محیط مصنوع را الزامی می کند. لزوم طراحی و ایجاد فضاهای خلوت در مجموعه های مسکونی جدید و ارتباط موثر بین آن ها جهت ارتقای سطح خلوت در این مجموعه ها می باشد.

مولفه های گوناگونی در بخش کیفی این مقاله استخراج شدند که بر اساس مصاحبه های نیمه ساختاریافته صورت گرفته؛ تمرکز متخصصین بیشتر بر افزایش میزان برجستگی در مولفه های کالبدی است و به نظر می رسد خلوت را متمرکز بر عناصر کالبدی در فضا دانسته اند. برای غربالگری مولفه ها از هیات متخصصین خواسته می شود. در قسمت کمی و آماره های توصیفی پیروی میانگین حرکتی از پراکنش داده های نشان از انتخاب درست مولفه ها دارد، نتایج آماره های توصیفی و استنباطی با یکدیگر متفاوت بوده و ملاک عمل برای بازخورد تحلیلی آماره های استنباطی است. ابتدا مشخص می شود که با فرم کالبدی مجتمع های مسکونی می توان کنترل بیشتری بر دیگر مولفه ها داشت و برای باززنده سازی و بازسازی مجتمع های مسکونی با تمرکز به مفهوم خلوت باید توجه به فرم کلی ساختمان در اولویت اول قرار بگیرد در بخش سهم عاملی نیز تاکید بر عواملی چون «افزایش احساس مالکیت ساکنان نسبت به فضای عمومی»، «وضوح مرزهای عرصه های عمومی تا خصوصی» و «سلسله مراتب عمومی و خصوصی» برای نیل بر خلوت دارد؛ اما کمترین سهم عاملی مربوط انحصار استفاده ساکنان در فضای باز مجموعه های مسکونی شهر همدان است که علت را در کنترل شده بودن این محدوده ها به عنوان یک فضای نیمه عمومی می توان دانست در قسمت مدل سازی PN مشخص می شود. تمامی ابعاد از هم پیروی می کنند و بیشینه و کمینه آن ها در فضای باز مجموعه های مسکونی شهر همدان زیاد نیست اما در ابعاد شخصی این امر متفاوت است و به نظر می رسد که در این بعد مولفه های دیگری نیز دلالت می کنند. در همبستگی گرافیکی مشخص می شود برای نیل به خلوت، فضا و کالبد تبیین کننده هم می باشند.

خلوت فرآیند مهمی است که فرد یا گروه بر اساس آن خود را کم و بیش در ارتباط با دیگران قرار می دهد. مفاهیم فضای شخصی و قلمرو، سازوکارهایی برای دستیابی به میزان دلخواهی از خلوت هستند و بالاخره ازدحام وضعیت اجتماعی است که در نتیجه عدم کارایی سازوکارهای خلوت پیش می آید و به روابط اجتماعی نامطلوب با افراد منجر می شود. در مقیاس مجموعه ها روش به وجود آوردن کنترل بر خلوت زندگی، فراهم آوردن سلسله مراتبی تعریف

شده از فضاهای باز عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی است که فضاهای واسط مابین واحدهای مسکونی و فضاهای مشترک دسترسی را تامین کند. هرچه امکان کنترل بیشتر برای قلمرو خصوصی به ساکنین داده شود احتمال دست یافتن به خلوتی بهینه بیشتر می شود.

یافته‌ها نشان می‌دهند که عواملی مانند «افزایش احساس مالکیت ساکنان نسبت به فضای عمومی»، «وضوح مرزهای عرصه‌های عمومی تا خصوصی» و «سلسله مراتب عمومی و خصوصی» بیشترین تاثیر در سبب ایجاد خلوت مطلوب در فضای باز مجتمع مسکونی در شهر همدان می‌شوند. دیگر متغیرها نیز تاثیر مثبت بر ایجاد خلوت در فضای باز مجتمع‌های مسکونی در شهر همدان دارند. از سویی، سه عامل «انحصار استفاده ساکنان»، «غریبگی بودن» و «کنترل پذیری» مفاهیمی نزدیک به هم و مرتبط هستند. یافته‌ها نشان دادند که با افزایش انحصار استفاده ساکنان از فضای عمومی، خلوت مطلوب کاهش می‌یابد اما با افزایش دو عامل مشابه دیگر خلوت مطلوب افزایش می‌یابد.

با توجه به ادبیات پژوهش به‌ویژه یافته‌های آلتمن در رابطه با قلمروهای فضایی و یافته‌های یان گل در رابطه با اجتماع‌پذیری فضای باز مسکونی می‌توان این رابطه را توضیح داد. همان‌طور که ذکر شد، هرچاکه فعالیتی در جریان باشد فعالیت‌های دیگر را نیز جذب می‌کند. تردد افراد غیرساکن در واحدهای مسکونی به صورت حرکات مقصدی می‌تواند سبب سرزندگی فضای عمومی و رونق برخی از خدمات شود، اما اگر این تردد بیش از حد مطلوب باشد یا به نحوی باشد که فضای عمومی مجتمع مسکونی را پاتوق افراد غیر ساکن نماید و یا اینکه ساختار مجتمع‌های مسکونی به نحوی باشد که غریبه را تا قسمت‌های نیمه عمومی هدایت کند، خلوت و امنیت ساکنان مختل می‌شود و سبب عدم مطلوبیت محیط و در پی آن کاهش حضور ساکنان برای فعالیت‌های اختیاری (اجتماع‌پذیری) در فضای باز عمومی می‌شود.

طبق نتایج رگرسیون چندگانه در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه، مولفه‌های «افزایش احساس مالکیت ساکنان نسبت به فضای عمومی»، «وضوح مرزهای عرصه‌های عمومی تا خصوصی» و «سلسله مراتب عمومی و خصوصی» با مقدار (1/000) بیشترین تاثیر را در خلق خلوت در فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی شهر همدان داشتند. نتایج حاصل از برداشت‌های صورت گرفته نشان می‌دهند در مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه، مجتمع‌هایی که بعد از سال ۱۳۷۰ ه.ش ساخته شده بودند، خلوت بهینه وجود دارد. فضاهای باز در مجتمع‌هایی که قبل از این سال احداث شده بودند به صورت فشرده ساخته شده بودند و به ایجاد خلوت توجه چندانی نشده بود. علت این امر از نظر ساکنین و متخصصان این است که در مجتمع‌های مسکونی ساخته شده بعد از سال ۱۳۷۰ ه.ش، افزایش حس مالکیت ساکنان، به‌وسیله تقسیم کردن و اختصاص دادن بخش عمده‌ای از فضاهای عمومی به تک تک خانواده‌ها به‌منظور بالا بردن قابلیت کنترل آن‌ها و همچنین ایجاد گروه‌های کوچک متشکل از چند واحد با نصب نرده‌های واقعی یا نمادین؛ کاهش تعداد مسیرهای پیاده در درون مجتمع، به‌منظور کاهش دسترسی‌ها و تقویت راه‌های پیاده باقیمانده با هدف استفاده بیشتر (برای دستیابی به هدف فوق تنها مسیرهای پیاده‌ای که از جلوی خانه‌ها عبور می‌کردند برای استفاده باقی ماندند و برخی از این مسیرها برای ایجاد فضای بازی و نشستن، عریض‌تر شدند. همچنین چراغ‌هایی برای افزایش میزان استفاده از این مسیرها و افزایش دید در زمان غروب و شب به آن‌ها اضافه شد؛ تقویت و نظارت ساکنان بر فضاهای باز، به‌وسیله هویت‌بخشی به این فضاها؛ اختصاص فضاهای ویژه به استفاده گروه‌های سنی مختلف به‌منظور کاهش درگیری میان این گروه‌ها، ایجاد قلمروهای نیمه عمومی از طریق اختصاص دادن بخشی از عرصه عمومی به تعدادی محدودی از خانواده‌ها، عرصه‌بندی فعالیت‌های اجباری و اختیاری

در عرصه عمومی از طریق کاهش تعداد مسیرهای پیاده و اختصاص دادن فضاهای باقیمانده به فعالیت‌هایی مانند مکث و استراحت، عدم استفاده از ورودی مشترک برای تعداد زیاد خانوار در هر بلوک ساختمانی ایجاد شده است.

فهرست منابع

- ارژمند، محمود، خانی، سمیه. (۱۳۹۱). *نقش خلوت در معماری خانه ایرانی*. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۲(۷)، ۳۸-۲۷.
- اسدی، امیر. (۱۳۹۰). *تحلیل توزیع فضایی قیمت مسکن در شهر مشهد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی دکتر محمدرحیم رهنما، مشهد.
- افشاری، محسن، پایه‌دار، مهسا. (۱۳۹۹). *مطالعه معنای خصوصیات مسکن بر اساس گسترش مدل ابزار-نهایت*. اندیشه معماری، ۴(۷)، ۱۰۷-۱۲۱.
- آشوری، نرگس، معینی، مهدیه. (۱۳۹۲). *بررسی مفهوم خلوت و عرصه‌های فضایی در خانه‌های مسکونی معاصر نمونه موردی: مجتمع مسکونی آلاشت کرمان*. کنفرانس ملی معماری و شهرسازی، ۱، ۱-۱۵.
- آذر، علی. (۱۳۹۴). *بررسی و تحلیل سرزندگی و پایداری در مجتمع‌های مسکونی کلان‌شهر تبریز با تاکید بر محله‌های اختصاصی*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تبریز، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی.
- آلمن، ایروین. (۱۳۸۲). *محیط و رفتار اجتماعی*. ترجمه علی نمازیان، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- آل‌هاشمی، آیدا. (۱۳۹۱). *کاربری‌های فضای باز در مجتمع‌های مسکونی بزرگ‌مقیاس شهر تهران*. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۷(۱۳)، ۱-۱۲.
- باصولی، مهدی، امیدواری، سمیه. (۱۴۰۰). *صندوق‌خانه، منظر خلوت در خانه ایرانی (بررسی خانه‌های سنتی یزد)*. باغ نظر، ۱۸(۱۰۴)، ۲۹-۴۴.
- بهزادفر، مصطفی، قاضی‌زاده، ندا. (۱۳۹۰). *حس رضایت از فضای باز مسکونی نمونه مورد مطالعه: مجتمع‌های مسکونی شهر تهران*. هنرهای زیبا، ۴۵، ۲۴-۱۵.
- بیگدلی، حامد، باقری، محمد و اسدی، فرخ. (۱۳۹۷). *بررسی نقش خلوت در معماری خانه‌های سنتی، معماری شناسی، ۱(۴)، ۱۰-۱*.
- جلیلی، محمد، عینی‌فر، علیرضا و طلپسچی، غلامرضا. (۱۳۹۲). *فضای باز مجموعه‌های مسکونی و پاسخ‌دهی محیطی: مطالعه تطبیقی سه مجموعه مسکونی در شهر همدان*. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۱۸(۴)، ۵۷-۶۸.
- چرخچیان، مریم، دانشپور، سید عبدالهادی. (۱۳۸۸). *بررسی مولفه‌های طراحی فضاهای عمومی پاسخگو جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۳۱(۸۴)، ۱۲-۲۳*.
- حاجی‌پور، هاجر. (۱۳۹۲). *طراحی مجتمع‌های مسکونی همساز با اقلیم و بوم با رویکرد ارتقا سرزندگی ساکنین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی دیلمان، دانشکده هنر و معماری.
- حیدری، علی‌اکبر، عبدی‌پور، زهرا. (۱۳۹۴). *ارزیابی نقش خلوت در ارتقای دلبستگی به مکان در خوابگاه‌های دانشجویی*. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۲۰(۴)، ۷۳-۸۶.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *لغتنامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- رفیعیان، مجتبی، حدادان، کیمیا. (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی انبوه‌سازی مسکن، تحلیلی بر الگوی فضایی بلندمرتبه‌سازی در مناطق شهر تهران*. آبادی، ۵۵، ۱۰۷-۱۰۲.
- شعبان عبدالمحمدی، نسترن. (۱۳۹۴). *طراحی مجتمع مسکونی در شهر رشت با رویکرد حفظ خلوت در مکان‌های اجتماع پذیر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان.
- طالبی، ژاله. (۱۳۸۳). *روابط اجتماعی در فضای شهری*. نامه علوم اجتماعی، ۱۱(۴)، ۱۸۰-۱۶۱.

- عبداله‌زاده طرف، اکبر. (۱۳۸۷). *تدوین اصول و احکام طراحی فضاهای بین مجتمع‌های مسکونی با رویکرد سرزندگی فضایی-اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- عمید، حمید. (۱۳۷۳). *فرهنگ عمید*. تهران: امیرکبیر.
- عینی‌فر، علیرضا. (۱۳۷۹). *عوامل انسانی-محیطی موثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی*. هنرهای زیبا، (۸)، ۱۱۸-۱۰۹.
- عینی‌فر علیرضا، قاضی‌زاده، ندا. (۱۳۸۹). *گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی تهران با معیار فضای باز*. آرمان‌شهر، ۳(۵)، ۳۵-۴۶.
- گل‌رخ، شمین. (۱۳۹۴). *مکان و هویت شخصی: نقش محیط کالبدی در شکل‌گیری «حس خود»*. نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، ۳(۳)، ۹۷-۱۰۸.
- لنگ، جان. (۱۳۹۰). *آفرینش نظریه معماری*. ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودی خطیبایی، ندا. (۱۳۹۵). *طراحی مجتمع مسکونی سرزنده در شهر تهران با دست‌یابی به معیارها و راهکارهای سرزندگی و نشاط در مجتمع مسکونی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی دیلمان، دانشکده فنی و مهندسی معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یان، گل. (۱۳۸۷). *زندگی در فضای میان ساختمان‌ها*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- Abu Bakar, Jamil. (2002). *A Design Guide for Public Parks in Malaysia*. Universiti Teknologi Malaysia, Skudai, Johor.
- Alkateeb, Salwa. (2009). *Social Changes and its Effect on the Increasing Divorce Rates in Saudi Arabia from the Point of View of Saudi Women*. *Journal of King Abdulaziz University: Art and Humanities*, 1-10.
- Amole, Dolapo. (2009). *Residential Satisfaction and Levels of Environment in Students' Residences*. *Journal of Environment and Behavior*, 41, 866-879.
- Biddulph, Mike. (2007). *Introduction to Residential Layout*. Architectural Press, Amsterdam.
- Borton, Hugh, Grand, Marcus, Guise, Richard. (2003). *Shaping Neighbourhoods: A Guide for Health, Sustainability and Vitality*. London: Spon Press.
- Chapin, F. Stuart. (1951). *Some Housing Factors Related to Mental Hygiene*, *Social Issues*, 164-171.
- Cybriwsky, Roman. (1999). *Changing patterns of urban public space: Observations and assessments from the Tokyo and New York metropolitan areas*. *Journal of cities*, 16(4), 223-231.
- Ewing, Reid, Handy, Susan, Brownson, Ross C, Clemente, Otto, Wiston, Emily. (2006). *Identifying and measuring urban design qualities related to walkability*. *Journal of Physical Activity and Health*, 3 (1): 223-240.
- Galford, Gregory, Peek, Gina. (2016). *A contextual view of surveillance with implications for the home environment*, *Housing and Society*, 43(52), 1-12.
- Jourard, Sidney. M. (1966). *Some Psychological aspect of Privacy*, *Journal of low and Contemporary Problems*, Vol.31, 307-318.
- Kuper, Leo. (1953). *Neighbour on the Earth*. From L. Kuper (ED.), London: The Cresset Press. Malaysia. Retrieved May 20, 2014 from <http://www.epublication.fab.utm.my/252/1/routledgevol42010.pdf>
- Muruani, Tseira, Amite-Cohen, Irit. (2007). *Open space planning models: a review of approaches and methods*. *Landscape and urban planning*, 81, 1-13.
- Obedient, Bushra, Abed, Amal, Gharaibeh, Islam. (2022). *Privacy as a motivating factor for spatial layout transformation in Jordanian public housing*. *City Territory and Architecture*, 9(1), 1-17.
- Oxford Dictionaries. (2014). Retrieved from <http://www.oxforddictionaries.com/>
- Pasaogullari, Nil, Doratli, Naciye. (2004). *Measuring accessibility and utilization of public spaces in Famagusta*, *Journal of Cities*, 21 (3), 225-232.
- Picerno, Rebekah. (2022). *Privacy, Group Functioning, and Residential Satisfaction in a College Dormitory*. *Honors Program Theses*. 169. 1-36.
- Raapoort, Amos. (1977). *Human Aspect of Urban Form*. New York: Pergamon.
- Ramezani, Samira, Aziz, Zul Azri Bin Adb, Iddid, Syed. Z. A. (2009). *Public space and conservation of a historic living city: Melaka*.

- Sangar, Venetin. Achostin. (2007). *Human Behavior in Public Spaces*. Retrieved from https://www.be.unsw.edu.au/sites/default/files/upload/pdf/schools_and_engagement/resoures/_notes/5A2_1.pdf
- Shils, Edward. (1966). *Privacy: Its Constitution and Vicissitudes*. *Journal of Law and Contemporary Problems*, 31, 281-305.
- Simmel, Georg. (1950). *The Metropolis and Mental life*, In K.W. Wolff (Ed. and trans.), *The Sociology of George Simmel*, NewYork: The Free Press.
- Tzonis, Alexander. (2006). *Rethinking Design Methodology for Sustainable Social Quality*. Tropical Sustainable Architecture. Social and Environmental Dimensions, Oxford: Architectural Press.
- Vogt, W. Paul, Johnson & R. Burke. (1999). *Dictionary of statistics and methodology*. Sage: Thousand Oaks, California.
- Westin, Alan. (1970). *Privacy and Freedom*. New York: Atheneum.
- Wilkinson, Paul F. (1983). *Urban open space planning*. Toronto: York University.